

شدت تشعشع سنکروترن نسبت به شدت دیگر منابع اشعه ایکس خیلی بیشتر است.

اشعه ایکس هسته ای. بعضی اتمهای رادیواکتیو، پرتو γ تشعشع می کنند؛ گاهی طول

موج این اشعه γ به اندازه ای زیاد است که وارد قلمرو اشعه ایکس می شود. مثلاً،

هسته ^{56}Fe اشعه ای با طول موج $\lambda = 0.106 \text{ \AA}$ ، ایریدیوم ^{191}Ir اشعه ای با

طول موج $\lambda = 0.106 \text{ \AA}$ منتشر می کند. استفاده از این منابع خیلی راحت

است زیرا به منبع انرژی خارجی نیاز ندارند متأسفانه به علت تابش بسیار ضعیفی که

دارند برای بیشتر کاربردهای اشعه ایکس، نمی توانند منابع مناسبی باشند.

اشعه ایکس کیهانی. منابعی از اشعه ایکس در جهان وجود دارند، ولی این اشعه ها در

جو زمین جذب نمی شوند. با عصر ماهراره هاست که «اختر شناسی با اشعه ایکس»

اختر شناسی با شاعه ایکس» آغاز به کار کرده است. اگر تا کنون ۵۰۰ منبع ردیابیو

نشانه گذاری شده است، پیش بینی می شود که این تعداد به طور قابل ملاحظه ای

افزایش یابد.

برخی ستارگان منابعی برای تشعشع سنکروترون هستند، علت ذرات بارداری است که مسیرهایشان به توسط میدانهای مغناطیسی به حالت انحنا درآمده است. سازوکار دیگر

«اثر کامپتن وارونه»^۲ است: انرژی یک فوتون بر اثر برخورد با یک ذره، با سرعتی نزدیک به سرعت نور، زیاد می شود. ازسوی دیگر منابع پخشی شامل تشعشع حرارتی گازی است، که به علت دمای بسیار بالا (10^6 K) ی آن، صدور اشعه ایکس تا قلمرو گسترش می یابد.

لیزر با اشعه ایکس. آزمایشهای متعددی انجام شده است؛ ولی دشواریهای دستیابی به لیزر، با کاستن طول موج، بسرعت زیاد می شود، و در آن لحظه، مسئله لاینحل باقی می ماند.

انواع مختلف پیداگرها را برای مطالعه خواص گوناگون اشعه ایکس به کار می برند، در حالی که همه توان یوننده این تشعشع منبعث و مشتقاز اتم خنثایی است، که بر اثر ضربه فوتون به یک یون مثبت و یک الکترون تجزیه می شود.

فوتونهای ایکس، مانند فوتونهای نورانی، در بر و مور نقره نامیز عکاسی، مولد جوانه

های هستند که تحت تاثیر داروی ظهور عکاسی، به دانه های ریز نقره، که فیلم را

سیاه می کند، تبدیل می شود میزان سیاه شدگی فیلم متناسب با حاصلضرب شدت

نور در زمان نور است، البته تا موقعی که به حد اشباع نرسیده باشد. روی فیلمی که

زیاد در معرض تابش نور نباشد، تغییر ساه شدگی، تغییر شدت پرتوهای رسیده به

نقاط مختلف را بیان می کند. مرغوبیت یک نامیز عکاسی در آن است که هم از

قدرت تفکیک و جداسازی خیلی خوب برخوردار باشد.

اما روش عکاسی اشکالات و معایبی هم دارد: نخست ضعف حساسیت پوسته

است. برای درک میزان این حساسیت می توان در نظر گرفت که: فیلم برای سیاه شدگی

قابل استفاده، باید در هر μm^2 یک فوتون دریافت کند. برای افزایش حساسیت باید

دانه ها درشت تر، ضخامت نامیز بیشتر و هر دو طرف فیلم آغشته به نامیز باشد.

۲- اطاق یونش

تابه های اشعه ایکس از اتاقی که از یک گاز مانند آرگون یا کسنون پر شده، و از بین

دو صفحه، که یکی از آنها به زمین و دیگری به یک پتانسیل چند صد ولت متصل

شده، می گذرد. هنگامی که میدان الکتریکی کافی باشد، تمام الکترونهايي که از اتمهای

یونیده به بیرون جهیده اند، به توسط صفحه جذب می شوند و جریان یونش، که

برقرار می شود، متناسب با تعداد فوتونهاي جذب شده در گاز است (به همین جهت

ترجیح داده می شوداز گاز کسنون که برای اشعه ایکس قابلیت جذب آن کم است،

استفاده شود).

این جریان در حدود 10^{-8} تا 10^{-12} A می باشد. این کمیت با پیشرفت تکنولوژی

فعلي براحتی قابل اندازه گیری است.

اتافک یونش، نخستین ابزار اندازه گیری شدت اشعه ایکس بوده است (Bargg

، ۱۹۱۲)، اما در حال حاضر شمارگرهای حساستر و راحت تر با آن به رقابت برخاسته

اند.

۲- شمارگرهای فوتونها

شمارگرهای گایگر- مولر عبارت از استوانه ای به قطر ۲ تا ۳ سانتیمتر است، که

یک رشته سیم بسیار نازک فلزی در طول محورش کشیده شده است. بین هر دو

سر سیم اختلاف پتانسیل پیوسته ای از ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ولت برقرار شده است،

رشته فلزی آنود یا قطب مثبت را تشکیل می دهد. شمارگر از گازی با فشار کم پر

شده است (مثلا از مخلوط آرگون - متان با فشار ۱۰ CmHg). از دریاچه ای که

از اشعه ایکس شفاف باشد، با تابه ای، خیلی نزدیک به رشته مرکزی، می گذرد.

هنگامی که یک فوتون ایکس یک اتم گاز را پوشیده می کند، الکترون آزاد شده، بر اثر

میدان الکتریکی خیلی شدید موجب در طرف دیگر رشته، شتابدار شده، به نوبه خود

دیگر اتمها را یونیده می کند: به این ترتیب یک تخلیه الکتریکی به راه می افتد، که

برای ترکیبات مناسب جو، خود به خود متوقف می شود. ضربه الکتریکی به آسانی

ثبت شده است: بنابراین می توان فوتونها را تک تک شمرد و شماره آنها را نمایان

ساخت.

۳- پیدآوری به وسیله فلوئورسانس

پاره ای اجسام که در معرض تابش اشعه ایکس قرار می گیرند، نور قابل رویت از خود

صادر می کنند؛ مثلاً پلاتینوسیانور باریوم نور قابل رویت سبز دارد، سولفور روی که

بر اثر ناخالصیهای مناسبی فعال شده باشد، نور قابل رویت آبی دارد. فوتونهای ایکس،

برخی اتمها یا مولکولها را تحریک می کنند، که هنگام بازگشت به حالت بنیادی

(=حالت قبل از تحریک) فوتونهای نورانی یا فوق بنفش صادر می کنند. از این پدیده

نورافشانی در پیدآورهای گوناگونی استفاده شده است.

رادیو سکویی. یک صفحه رادیوسکوپی، از یک مقوا که با لایه ای از ماده فلوئورسان

پوشیده شده باشد، تشکیل شده است. در این صفحه که در معرض تابش یک تابه

اشعه ایکس قرار گرفته، سایه ای کم و بیش تاریک، از اشیایی که بین منبع اشعه ایکس

و صفحه رادیو سکویی واقع شده اند، ظاهر می شود. شدت تاریکی سایه به میزان

جذب کنندگی نقاط مختلف اشیاء (بین منبع و صفحه) بستگی دارد. این تکنیک که در

مورد آزمایشهای پزشکی مورد استفاده قرار گرفته است، فقط جنبه کیفی دارد و تنها در

تاریکی می تواند مورد بهره برداری قرار گیرد.

شماره گر چشمک زن. اگر یک فوتون ایکس، در بلور یدور سدیوم (NaI) که با

افزودن ناخالصی تالیوم فعال شده، جذب شود، یک جرقه ایجاد می کند: چون بلور

شفاف است، این علامت می تواند به توسط یک چشم الکترونی که پشت بلور واقع

شده، ثبت شود. و به یک ضربه الکتریکی (تکانه) تبدیل شده به دستگاه شمارش

فرستاده شود. این است مبنای شمارگر چشمک زن که دارای پاره ای مزایا است.

۵- پیداهای با اثر نورا برقی

اگر تابه اشعه ایکس بر روی یک سطح جامد، مثلا فلزی برخورد کند، اتمهای سطحی

که یونیده شده اند الکترونیهای پخش می کنند، که انرژی حرکتی بعضی از آنها زیاد

است. همچنین اگر یک ورقه سرب پشت ورقه عکاسی گذاشته شده باشد، این ورقه

سربی اثرصفحه تقویت کننده را خواهد داشت، زیرا نامیز به توسط الکترونیهای

فتوالکتریکی، که ورقه سربی آنها را پس زده متاثر شده است.

«تقویت کننده تصویر» عبارت از یک لوله الکترونی است که وجه مقدم آن

فوتوکاتودی است که در معرض تابش اشعه ایکس قرار گرفته و الکترونهاي نوری به

طرف داخل صادر می کنند. این الکترونها، به توسط ولتاژ بالایی که به لوله داده شده،

شتابیده شده اند و، از سوی دیگر این الکترونها، بر روی یک صفحه فلئورسان که در

پشت تقویت کننده واقع است، متمرکز شده اند. به این ترتیب بسیار درخشندگی از

رادیوسکوپی مستقیم به دست می آید، این تصویر را حتی در یک سالن بسیار روشن

می توان دید، و یا حتی از آن عکسبرداری کرد.

۶

- پیداگرهای نوین

در حال حاضر مجموعه گوناگون و گسترده ای از پیداگرها تهیه شده است، این

مجموعه از پوسته عکاسی ساده تا شمارگرهایی را شامل می شود که عملاً به آخرین

حد حساسیت خود رسیده اند و می توانند تقریباً همه اشعه ایکس دریافت شده را ثبت نمایند.

با وجود این در طی سالهای اخیر دستگاههای پیداکری ارائه شده است که به روش قابل ملاحظه ای سرعت دریافت داده ها در مورد آنها زیاد شده و به این ترتیب راه کاربردهای نوین اشعه ایکس گشوده شده است. اساس این پیداکرها مبنی بر ثبت «داده های دیگر» و، در عین حال، تعداد فوتون دریافت شده است.

اینک خواصی از اشعه ایکس را از نظر خواهیم گذراند که با مبانی فیزیکی پدیده ها و کاربردهای اشعه ایکس در ارتباط است.

به طور دقیق، جذب که به توسط «ضریب جذب μ » اندازه گیری شده است، عبارت از استهلاك نسبی شدت در یک صفحه خیلی نازک به جرم واحد سطح می باشد.

$$Dm(\text{g}/\text{cm}^2): dI/I = -\mu dm$$

بنابراین شدت منتقل شده، به صفحه ای به جرم سطحی m ، از رابطه زیر بدست می

آید:

$$I=I_0 \exp(-\mu m)$$

از ضریب خطی جذب که مربوط به ضخامت صفحه X ، است نیز استفاده می شود و

رابطه آن به صورت زیر است:

$$I=I_0 \exp(-\mu' x)$$

به آسانی ثابت می شود که $\mu' = \omega \rho$ است. ρ جرم حجمی صفحه، بر حسب

g/cm^3 است.

ضریب جذب شامل دو جز است، جزء اول آن معرف جذب واقعی (یا نورابرق) است.

و جزء دوم کاهش (شدت) بر اثر پراکندگی می باشد.

اساس پدیده جذب واقعی مربوط به تاثیر فوتونهای ایکس بر روی الکترونهای اتمی

بویژه بر الکترونهای لایه های داخلی است. از آنجا که حالت الکترونهای داخلی به

پیوندهای شیمیایی بین اتم و اتمهای مجاورش بستگی ندارد بنابراین با یک تقریب

خیلی خوب رفتار اتمها به گونه ای است که گویا جدا از یکدیگرند جذب یک جسم

مرکب صرفاً مجموعه ی جذب اتمهای سازای آن جسم است به طور کلی می بینیم

که جذب اشعه ی ایکس با جذب اشعه نور متفاوت است: سرب، بلور، و فلزدر برابر اشعه ایکس تاثیر همانندی دارند.

هر ماده ای که در معرض تابش یک تابع اشعه ایکس قرار گیرد، تشعشعی با همان

طول موج، یا با طول موجی خیلی نزدیک به آن، در همه جهات صادر می کند: این

پدیده پخش نام دارد.

به طور کلی تشعشع پخش شده نسبتاً ضعیف است، با اینهمه از چند نقطه نظر حائز

اهمیت می باشد: در بدو امر، این پدیده مبنای کاربرد اصلی اشعه ایکس در

آزمایشگاهها و پراش به توسط بلورهاست؛ از سوی دیگر، از نقطه نظر اساسی، وجود

«فوتون» در این پدیده به طور تجربی کاملاً مشهود و نمایان است.

۱- پخش به توسط یک الکترون آزاد

نظریه های کلاسیک و کوانتومی برای مسئله دو راه حل کاملاً متمایز ارائه می دهند.

نظریه کلاسیک تامسن. تحت تاثیر میدان الکتریکی موج تابشی، الکترون شروع به

ارتعاش کرده، در نتیجه موجی صادر می کند، که معادلات بر قاطیسی کلاسیک دامنه و

چگونگی پخش آن را در فضا معین می کند. این موج پخش شده همان «بسامد»

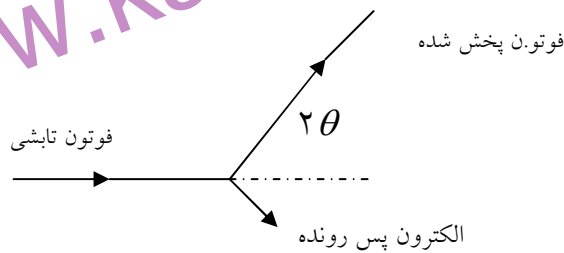
(فرکانس) موج محرک، وفازی پیوسته دارد.

پخش کامپتن یا نا پیوسته. با توجه به اینکه پخش از « برخورد یک فوتون بر روی

یک الکترون» ناشی شده است؛ فوتون پس از برخورد منحرّف می شود و الکترون

عقب نشینی می کند (شکل ۴)، انرژی فوتون پخش شده، به علت واگذاری مقداری از

انرژی خود به الکترون کم شده است.



شکل ۴- پخش به توسط اثر کامپتن

بنابراین پخش همراه با «افزایش طول موج» پیش بینی می شود؛ از سوی دیگر هیچ

رابطه فیزیکی بین اشعه تابشی و پخش شده وجود ندارد: پخش ناپیوسته است.

فرآیند شبیه به برخورد کشسان (الاستیک) دو ذره در مکانیک است: بنابراین این فرآیند

بقای انرژی و بقای اندازه حرکت دستگاه فوتون الکترون را محقق می سازد. معادلات

مکانیک (نسبیتی) «اگر تغییرات نسبی طول موج به حد کافی ضعیف باشد» به صورت:

$$\Delta\lambda = \lambda_c (1 - \cos 2\theta)$$

است، λ_c یا طول موج کامپتن برابر است با 0.24Å و 2θ زاویه پخش است.

افزایش طول موج به طول موج تابشی بستگی ندارد؛ ولی هنگامی که زاویه پخش از

تا 180° درجه تغییر کند، افزایش طول $(\Delta\lambda)$ از 0 تا $0.48 A^\circ$ تغییر خواهد کرد.

بنابراین آهنگ افزایش طول برای اشعه ایکس با طول موج بالاتر از $1 A^\circ$ ، نسبتاً

ضعیف است ولی برای اشعه ایکس سخت، مهم است.

۳- پخش به توسط یک اتم منفرد

آزمایش کامپتن ثابت کرده است که علاوه بر تشعشع تغییر یافته، تشعشع پخش

شده ای با طول موج تغییر نیافته هم وجود دارد. این امر از نظریه پخش، به توسط

اتم، با Z الکترونش در حالتهای پیوندی، بخوبی نتیجه می شود. نتایج اصلی آن از

اینقرارند:

کسر پیوسته. امواج امواج پیوسته ای که به توسط Z الکترون پخش شده تداخل

می کنند: شدت موج متوجه برابر با $f^2 I_e$ است؛ I_e بنابر نظریه تامسن شدت پخشبه

توسط یک الکترون آزاد و « f ضریب پخش اتمی است): این ضریب تابع زاویه پخش

θ (یا به عبارت دیگر $S = 2 \sin \theta / \lambda$) است، و بنابر چگالی الکترونی در اتم، که

شده به توسط مکانیک کوانتومی به سدت آمده، محاسبه می شود. ضریب پخش با

زاویه پخش به ازای اندازه Z برای زاویه صفر به بعد کم می شود. شکل ۵ دو نمونه از

آن را - برای یک اتم سنگین، Hg ، و یک سبک، Na^+ - نشان می دهد.

کسر ناپیوسته. شدت پخش به وسیله یک الکترون که با تغییر طول موج همراه است با

زاویه پخش زاید می شود، به طوری که اندازه اش به ازای زاویه پخش صفر است. و

به ازای اندازه های بزرگ $S = 2 \sin \theta / \lambda$ طبق نظریه تامسن به سمت شدت پخش

الکترون آزاد میل می کند. چون امواج پخش شده به توسط الکتورنهای مختلف اتم

(بدون پیوند) گسسته اند، شدتشان بسادگی با یکدیگر جمع می شود، بنابراین شدت

ماکزیمم Z برابر شدت تامسن است.

اختلاف طول موج همان اختلافی است که نظریه کامپتن پیش بینی کرده است. با این

تفاوت که: به علت اندازه حرکت الکترون پخش کننده، طیف تشعشع کامپتن، در

اطراف اندازه داده شده به توسط فرمول کامپتن، بهتر شده است.

اگر دو نمونه پخش با یکدیگر مقایسه شود، دو حالت حد ساده آشکار می شود: برای

اتمهای متوسط یا سنگین و پرتوهای طول موج A^0 با بیشتر پراکندگی کامپتن عملا

در برابر پخش پیوسته (پیوند) قابل چشم پوشی است. برای عناصر سبک که در

معرض تشعشع با طول موج کوتاه (کمتر از A^0 ۰/۱) واقعند، پراکندگی پیوسته در

برابر پراکندگی کامپتن قابل اغماض است. در وضعیتهای بینابین، هر دو نمونه

پراکندگی با هم وجود دارد البته به نسبتی که به طول موج و به عدد اتمی عنصر پخش

کننده بستگی دارد.

۳- پخش به توسط ماده

اکنون به حالت واقعی، مجموعه ای از اتمهای سازای یک قطعه ماده بر می گردیم.

امواج پیوسته پخش شده به توسط هر اتم تداخل می کنند و «موج پراشی» را به وجود

می آورند، که به وضعیت متقابل اتمها، یعنی به ساختمان اتمی ماده بستگی دارد.

بر عکس، امواج ناپیوسته پخش کامپتن تداخل نمی کنند و شدت کامپتن به طور ساده،

مجموع شدتهای کامپتن همه اتمهاست.

نتیجه گیری

۱- در آزمایشهای پراش، با تشعشعهای با طول موجی در حدود 1 \AA ، زمینه پیسوته

(نشری) پخش کامپتن همیشه ضعیف- و در بیشتر حالات حتی نا محسوس - است.

این امر نمی تواند در مورد پراشهای با چگالی ضعیف، که به توسط ماده متشکل از

عناصر سبک به وجود آمده، صادق باشد: هم چنین در یک نمودار سیلیس بی شکل که

با تشعشع $Mok\alpha$ گرفته شده، به سوی زاویه های بزرگ، تشعشع کامپتن ۴ بار از

تشعشع پراشی شدیدتر است.

۲- در مورد پرتوهای «سخت» که پرتوافکن عناصر سبک هستند، پخش تقریباً به طور

کامل مربوط به اثر کامپتن است، شدتهای پخش شده می توانند حائز اهمیت باشند.

اشعه ایکس دقیقاً در امتداد خط مستقیم، در میان ماده، همگن یا نا همگنی منتشر می

شود. یکپاز نخستین خواصی است که پس از کشف اشعه ایکس، مشاهده شده بود:

رونتگن خودش سعی کرد اشعه ایکس را به وسیله منشورها، آب، ایونیت، آلومینیم

منحرف سازد، ولی موفق نشد او نتوانست اشعه ایکس را، به توسط سطح فاصل دو

محیط متفاوت، باز تاباند بنابراین به نظر می رسد که ظریب انکسار هر ماده (برای

اشعه ایکس) برابر واحد است.

اکنون در عمل پی برده اند که به اندازه بسیار جزئی، در حدود 10^{-5} با واحد تفاوت

دارد. البته خواهیم دید که این یک تفاوت جزئی چگونه، توانسته است، مورد استفاده

قرار گیرد.

برای ساختن یک تلسکوپ یا میکروسکوپ با اشعه ایکس، مانند نور شناخت، اشعه

مرئی از عدسیها و آینه ها استفاده نمی شود، بلکه به تازگی پیشرفتهای مهم و

چشمگیری در این زمینه به عمل آمده است. چنین ابزارهایی بسیار جالب خواهند بود.

-هندسه پرتو نگاری

بر اثر اندازه محدود منبع اشعه، اطراف سایه [= تصویر] را یک نواز تاریک و روشن

[=نیمسایه] فرا گرفته است، و پهنای این نوار حدود بزرگی کوچکترین جزء قابل

تشخیص را معین می کند.

این طول، ϵ ، برابر است با قطر منبع، S ، ضرب در نسبت d/I فواصل فیلم- نمونه و

منبع- نمونه. در یک دستگاه پزشکی متداول، قطر منبع در حدود 1 mm و نسبت I/d

در حدود 10 است. بنابراین نتیجه (حاصلضرب) 0.1 mm است، و نشان می دهد که

پرتو نگاری ایکس خیلی دقیقتر از دیگر وسایل کاوش بدن انسان، نظیر ماوراء صوت

(سونوگرافی)، پرتو نگاری γ و غیره است.

برای بالا بردن توان جداسازی، باید از نسبت d/I با نزدیک کردن شیء به فیلم، یا با

دور نگهداشتن شیء از منبع، هر اندازه که ممکن است، کاست. برای این منظور دو

تکنیک ویژه، میکرو رادیوگرافی و میکرو لیتوگرافی به کار گرفته می شود.

میکرو رادیو گرافی (ریز پرتونگاری). شی عبارت از تیغه نازکی به ضخامت 0.1 mm

است که در مقابل فیلم عکاسی قرار گرفته است. اگر منبع در 50 cm ، و قطر مقطع

کانون در حدود 0.5 میلیمتر باشد، تهیه و تدارک چنین کانونی آسان است، و می توان

به یک نتیجه هندسی کمتر از میکرون رسید، ابعاد دانه نامیز عکاسی عامل محدود

کننده می شود. نامیزهایی با دانه های بسیار ریزتر، یا حتی بدون دانه، وجود دارد، اما

چنین نامیزهایی، به دلیل داشتن حساسیتی خیلی کمتر از حساسیت نامیزهای معمول

برای اشعه ایکس، بدفرجاماند. مسلمنا باید از جهت نوری صفحه خلفی عکاسی را

بزرگ کرد. بهترین قدرت حل را فیلمهای تا حدی پلاستیک دار هستند، که بر اثر

تابش اشعه ایکس حل می شوند پس از برخورد اشعه حل کننده به فیلم تصویر به طور

برجسته نمایان می شود. وبا تنظیم حرکت میکروسکوب الکترونی که بر روی تصویر

به آرامی پیش می رود، تصویر محسوس است.

همانطور که خاطر نشان کردیم لازم است که با اشعه با طول موج بزرگ عمل کرد به

این ترتیب تفاوت رنگها زیاد می شود و از سوی دیگر، چون مسافت فتو الکترونها

خیلی کوتاه است، تصویر عکاسی نسبت به تصویر هندسی خراب نمی شود.

میکرو رادیو گرافی عملکردی دارد که با عملکرد میکروسکوپی نوری قابل مقایسه

است و به دستگاههای پیچیده و گران قیمت نیازی ندارد تصویر تهیه شده این مزیت

را دارد که، اگر جسم همگن باشد، با توزیع جرم در واحد سطح نسبت مستقیم دارد، و

برعکس، اگر جسم نا همگن باشد، با توزیع عناصر شیمیایی متناسب است. همچنین

ثابت شده که استفاده کردن قبلی چگونه ممکن است ارزش چندی [کمی] به

میکرو رادیو گرافی داده شود. سرانجام تجزیه های موضعی با میکرو رادیو گرافی

[=دیفرانسیل] امکان پذیر است.

میکرولیتوگرافی. برای ساختن عناصر نیمه هادی ریزشده، سایه یک نقاب (ماسک)

روی صفحه ای انداخته می شود که با لایه ای نازک از صمغ قابل حل در برابر

پرتوافکنی، پوشیده شده است. با نور (مرئی)، پدیده های پراش اجازه نمی دهند کناره

های سایه با دقت دلخواه، در حدود میکرون، تعیین حدود شود ممکن است با اشعه

ایکس که طول موجشان کوتاه است، از تصویرهای پراش به طور قابل ملاحظه ای

کاسته شود. این خود دلیل کاربرد منابع سنکروترون برای میکرولیتوگرافی است که

علاوه بر آن اجازه می دهد از تاریک و روشن (نیمه سایه) هندسی چشم پوشی شود

(منبع خیلی کوچک به فاصله خیلی زیاد).

میکروسکوپس ایکس به توسط تصویر.

اساس کار تشکیل سایه شیء با یک منبع فوق العاده ظریف اشعه ایکس است. شیء

نزدیک چشمه قرار دارد و فاصله فیلم از آن زیاد است. بزرگ شدگی مستقیم برابر

نسبت فواصل منبع - فیلم به منبع - شیء است. توان جداسازی آن دقیقاً برابر قطر منبع

می باشد

اگر شیء ناهمگن خیلی نازک نباشد، می توان تصویری از آن بدست آورد که همه

بخشهای آن واضح و روشن باشد. زیرا عمق میدان خیلی بیشتر از عمق یک میدان

نوری است که برای همین منظور ترتیب داده شده باشد با دو تصویرپایی که با

جابه جایی مختصر شیء گرفته شده، زوج (تصویر) های برجسته نگاری به دست می

آید، که تأثیر برجستگی نسبتاً گیرایی به تصویر می بخشند (دیدن اعضای داخلی

حشرات کوچک).